

نمونه ← نظام‌الدین احمد هروی، ج ۱، ص ۲۶۵؛ فرشته، ج ۱، ص ۵۳۶-۵۳۷، دو دلیل برای تأیید صحت انتساب سلیمان پدر خضرخان به خاندان پیامبر ذکر کرده‌اند: نخست آنکه شیخ جلال‌الدین بخاری، از مشایخ سهروردیه، انتساب سلیمان به خاندان پیامبر و سیادت وی را تأیید کرده‌است؛ و دیگری وجود صفاتی است چون شجاعت، سخاوت، تواضع و صداقت در سلیمان که از اوصاف پیامبر بوده‌است. ظاهراً این ادعاها، با توجه به اینکه سیدیهها در هند جایگاه اجتماعی و سیاسی نداشتند، برای کسب مشروعیت و مقبولیت در میان مردم مطرح شده‌اند و اعتبار چندانی ندارند (← پانده، ص ۱۵۸؛ سربو استاوا، ص ۲۵۷؛ سینگ، ص ۱۷۵).

به نظر می‌رسد سیدیهها در اصل از عربهای جزیره‌العرب بودند. در زمان سلطنت فیروزشاه تغلق (حک: ۷۵۲-۷۹۰)، سلیمان پدر خضرخان به ملتان مهاجرت کرد و به خدمت ملک‌مردان حاکم آنجا درآمد. پس از درگذشت ملک‌مردان، حکومت وی نخست به پسرش ملک‌شیخ و پس از وی به سلیمان واگذار شد و پس از درگذشت سلیمان، فیروزشاه تغلق حکومت ملتان را به خضرخان سپرد. خضرخان تا ۷۹۶ حکم راند تا اینکه سازنگ‌خان، حاکم دیپالپور، ملتان را تسخیر کرد و خضرخان به بیانه گریخت. پس از تصرف دهلی به دست تیمور در ۸۰۱، خضرخان با حمایت وی به حکومت ملتان، دیپالپور و بخشهایی از سند رسید و سرانجام پس از تصرف دهلی در ۸۱۷ سلسله سیدیهها را ایجاد کرد (سرهندی، ص ۱۶۶-۱۶۸؛ نیز ← حمیدالدین، ص ۱۲۵).

خضرخان پس از تصرف دهلی، ابتدا با سپردن مناصب مهم به نزدیکان و معتمدانش کوشید اوضاع حکومتش را سروسامان بخشد و برای جلوگیری از شورشهای احتمالی، امرای تغلقی را در مناصبشان باقی گذاشت. او به مردم دهلی نیز بذل و بخششهایی کرد تا رضایت آنان را هم جلب کند (← سرهندی، ص ۱۸۳-۱۸۴؛ نظام‌الدین احمد هروی، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ بدآونی، ج ۱، ص ۱۹۷).

خضرخان قدرت و جایگاه خود را وام‌دار تیمور بود. از این رو، از به‌کاربردن عناوینی چون «شاه» و «سلطان» امتناع کرد و خود را «ارایات اعلیٰ خضرخان» نامید و با آوردن نام تیمور و سپس شاهرخ در خطبه، وفاداری‌اش را به تیموریان نشان داد (← خضرخان*). با توجه به اینکه این اقدام او بیشتر تشریفاتی بود و هیچ خللی در سلطنت سیدیهها به‌عنوان سلسله‌ای مستقل ایجاد نمی‌کرد، به نظر می‌رسد هدف خضرخان این بود که خود را منصوب تیموریان نشان دهد و حکومتش را از خطر

قوشچی* است که سیدی‌علی مطالبی هم از شرح الملخص فی الهيئة، اثر قاضی‌زاده رومی*، و نهایت‌الادراک فی درایة‌الافلاک، اثر قطب‌الدین شیرازی* به آن افزوده‌است. سیدی‌علی این اثر را در ۹۵۵ به سلیمان قانونی تقدیم کرد. قدیم‌ترین نسخه آن از ۲۷ نسخه موجود این اثر در ۹۵۷ کتابت شده‌است (بروسه‌لی، همانجا؛ د.ا.ترک، ج ۱۰، ص ۵۳۰-۵۳۱؛ د.ا.د.ترک، همانجا).

منابع: محمدطاهر بروسه‌لی، عثمانلی مؤلفلری، استانبول ۱۳۳۳-۱۳۴۲؛ ابراهیم پچوی، تاریخ پچوی، استانبول ۱۲۸۱-۱۲۸۳؛ محمد ثریا، سجل عثمانی، استانبول ۱۳۰۸-۱۳۱۵ / ۱۸۹۰-۱۸۹۷، چاپ افت انگلستان ۱۹۷۱؛ مصطفی‌بن عبدالله حاجی‌خلیفه، تحفة‌الکبار فی اسفار‌البحار، چاپ سنگی قسطنطنیه [استانبول] ۱۱۴۱؛ همو، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰؛ سامی، سیدی‌علی‌رئیس، مرآت‌الممالک: سفرنامه‌ای به خلیج فارس، هند، ماوراءالنهر و ایران، ترجمه از ترکی: محمود تفضلی و علی گنجلی، [تهران] ۱۳۵۵؛ محمد شکری، اسفار بحرّیه عثمانیه، استانبول ۱۳۰۶؛ فریدون بیگ، منشآت‌السلطین، [استانبول] ۱۲۷۴-۱۲۷۵؛ حسن قتالی‌زاده، تلکرة‌الشعرا، چاپ ابراهیم قُلُق، آنکارا ۱۹۷۸-۱۹۸۱؛ ایگناتی یولیانویچ کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پلنده، تهران ۱۳۷۹؛ مصطفی عالی‌افندی، کتبه‌الخبار، ج ۱، آنکارا ۲۰۰۹؛

İsmail Hami Danişmend, *İzahlı Osmanlı tarihi kronolojisi*, İstanbul 1971-1972; İA, s.v. "Seydî Ali Reis" (by Şerafettin Turan); *Osmanlı coğrafya literatürü tarihi*, ed. Ekmeleddin İhsanoğlu et al., ed. Ekmeleddin İhsanoğlu, İstanbul: İslâm Tarih, Sanat ve Kültür Araştırma Merkezi (IRCICA), 2000; Andreas Tietze, "XVI. asır Türk şiirinde gemici dili: nigârî, Kâtibî, yetim", in *60. doğum yılı münasebetiyle Fuad Köprülü armağanı*, İstanbul: Osman Yalçın Matbaası, 1953; *TDVİA*, s.vv. "Kitâbü'l-muhî" (by Şerafettin Turan), "Seydi Ali Reis" (by Mahmut Ak).

/ نصرالله صالحی /

سیدیهها، چهارمین سلسله از سلاطین دهلی* در نیمه نخست قرن نهم. بنیان‌گذار این سلسله خضرخان* بود. براساس نوشته سرهندی، مؤلف تاریخ مبارک‌شاهی، که مهم‌ترین منبع به‌جای‌مانده از دوره سیدیههاست، سلیمان، پدر خضرخان، از نسل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود (← ص ۱۸۱-۱۸۲) و به همین سبب سلسله خضرخان به سیدیهها مشهور شد. سرهندی (همانجا) و به پیروی از وی مورخان دیگر (برای

1. Pande

2. Srivastava

3. Singh

4. Dipalpor

5. Hameed-ud-Din